فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴، پیاپی ۱۲
صفحات ۴۰-۱۹

بررسی وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی در مراکز دهستان‌های شهرستان جیرفت

صالح شاهرخی ساردو، کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.
مهدی نوری‌پور*، دانشیار ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۵ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۹/۲۶

چکیده

رشد سریع جمعیت، فقر گسترده، نابرابری‌های فزآینده، بیکاری، مهاجرت، حاشیه‌نشینی و غیره، همگی از پیامدهای کم توجهی به مقوله کیفیت زندگی در نواحی روستایی است. برای رسیدن به توسعه‌ی پایدار، توجه به توسعه روستایی و افزایش سطح کیفیت زندگی روستاییان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تحقیق حاضر با هدف وضعیت‌شناسی شاخص‌های کیفیت زندگی در مراکز دهستان‌های شهرستان جیرفت صورت گرفته است. تعداد خانوارهای مراکز دهستان‌های مورد مطالعه ۴۲۴۳ خانوار بوده که با استفاده از جدول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان ۳۵۰ نفر از آنها به عنوان نمونه تعیین و به‌شیوه‌ی طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. روایی ابزار تحقیق از طریق روایی صوری تأیید گردید و برای بررسی پایایی پرسشنامه، مطالعه‌ی پیش‌آزمون انجام گرفت که نتایج آماره‌ی آلفای کرونباخ برای شاخص‌های مختلف از (۰/۷۱ تا ۰/۸۹) محاسبه گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار $SPSS_{20}$ انجام گرفت. نتایج نشان داد که شاخص امنیت اجتماعی در رتبه اول و شاخص درآمد در رتبه آخر قرار دارد. مقایسه و تفکیک دهستان‌های مورد مطالعه نشان داد از لحاظ میانگین شاخص پایگاه اجتماعی، در بین روستاهای مورد مطالعه تفاوت وجود ندارد؛ از حیث میانگین شاخص سرانه‌ی پوشاک روستاها در دو طبقه و از لحاظ میانگین شاخص‌های امنیت اجتماعی، مسکن، دارایی‌ها، درآمد، سرانه‌ی تغذیه و رضایتمندی در چهار طبقه قابل تفکیک هستند.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، شاخص‌های عینی، شاخص‌های ذهنی، مرکز دهستان، جیرفت.

* Email: mnooripoor@yu.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

۱) مقدمه

واژه کیفیت، به معنی نحوه زندگی است و به معنی تفاوتهای آن است که برای هر فرد منحصر به فرد بوده و با دیگری فرق دارد (عزیزپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۸). موضوع کیفیت زندگی از آغاز دهه‌ی ۱۹۶۰ به بعد، وارد ادبیات نظری و مطبوعاتی توسعه گردیده و همچنین به یکی از موضوعات مورد علاقه علوم اجتماعی تبدیل و مبنای تمایز و دسته‌بندی‌های نوین کشورها در سال‌های اخیر نیز شده است (عنبری، ۱۳۸۸: ۱۵۰). بهبود کیفیت زندگی در یک مکان خاص و یا برای اشخاص و گروه‌های خاص همواره کانون اصلی توجه برنامه‌ریزان بوده است. اندیشمندان برنامه‌ریزی نیز اعتقاد دارند، برنامه‌ریزی‌ها باید همسو با بهبود کیفیت زندگی باشد (Pall & Kumar, 2005: 19). از سوی دیگر، بهبود کیفیت زندگی می‌تواند دیگر زمینه‌های توسعه مانند توسعه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی را به‌همراه داشته باشد. در این راستا، مناطق روستایی از فضاهای نیازمند مطالعات مرتبط با کیفیت زندگی محسوب می‌شود. این مطالعات باید زمینه‌های مرتبط با کیفیت زندگی روستایی، کاهش محرومیت جغرافیایی و دسترسی به نیازهای اساسی زندگی را در بر گیرد (قالیباف و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۴). نتایج مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به ارزیابی سیاست‌ها، رتبه‌بندی مکان‌ها، تدوین استراتژی‌های مدیریت و برنامه‌ریزی شهری و روستایی کمک کرده تا درک و اولویت‌بندی مسائل اجتماع، برای برنامه‌ریزان و مدیران را به منظور ارتقای کیفیت زندگی افراد تسهیل سازد (Lee, 2008: 1204).

با توجه به اینکه رشد شهر و شهرنشینی یکی از بارزترین تحولات اجتماعی، اقتصادی در دوره‌های اخیر است، شهرنشینی در این دوران با چنان سرعتی افزایش یافته که بسیاری از فرصت‌ها را برای ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان به شدّت محدود کرده است. از این رو، همزمان با شهری شدن جامعه ایران و پیامدهای منفی آن در جوامع روستایی، تحلیل این پیامدها از جمله ارزیابی و شناسایی وضعیت کیفیت زندگی روستاییان، یکی از ضرورت‌های مهم امروزی می‌باشد. از طرف دیگر، در بسیاری از مناطق روستایی ایران، با وجود ایجاد تغییرات مختلف در راستای بهبود کیفیت زندگی، هنوز با وضعیت مطلوب فاصله‌ی زیادی داریم. این وضعیت در نواحی که جمعیت غالب آنها در روستاها زندگی می‌کنند، مشهودتر می‌باشد که شهرستان جیرفت واقع در استان کرمان از آن جمله می‌باشد. هدف پژوهش حاضر، وضعیت‌سنجی شاخص‌های کیفیت زندگی در مراکز دهستان‌های شهرستان جیرفت می‌باشد.

۲) مبانی نظری

کیفیت زندگی به معنای داشتن زندگی خوب و احساس رضایت از آن است. یا اینکه می‌توان میزان واقعی رفاه تجربه شده به‌وسیله افراد و گروه‌ها تحت شرایط اجتماعی و اقتصاد عمومی را، کیفیت زندگی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

نامید (قالیباف و همکاران،۱۳۸۸: ۱۶۶). همچنین پسون[1] (۲۰۰۳) کیفیت زندگی را به‌عنوان میزان تأمین تأمین نیازهای انسانی در ارتباط با ادراکات افراد و گروه‌ها از بهزیستی ذهنی تعریف می‌کند. داس[2] (۲۰۰۸) کیفیت زندگی را به‌صورت بهزیستی و یا نبود بهزیستی مردم و محیط زندگی آنها تعریف می‌کند.

کیفیت زندگی به‌عنوان معیاری برای سنجش میزان برآورده شدن نیازهای روحی، روانی و مادی جامعه و خانواده به‌کار می‌رود. در این راستا، کیفیت زندگی در روستا نیز به‌عنوان، چگونگی شرایط و وضعیت عینی زندگی خانواده‌ها و روستاها تعریف می‌شود (پال و کومار[3] ، ۲۰۰۵: ۱۹). به‌طور کلی معنای معنای اصطلاح کیفیت زندگی جهت اشاره به شرایط محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند (برای مثال، آلودگی آب و هوا، مساکن فقرا) و برخی از مشخصه‌های مردم (همچون سلامت یا دستیابی به امکانات آموزشی) به‌کار می‌رود (پسون، ۲۰۰۳: ۱۹).

براون و همکاران[4] (۲۰۰۴) کیفیت زندگی را از دیدگاهی دیگر در دو سطح خُرد و کلان تعریف می‌کنند که شاخص‌های کلان آن، مؤلفه‌هایی مانند درآمد و اشتغال، مسکن، آموزش و پرورش و سایر شرایط زندگی و محیطی را در بر می‌گیرد و شاخص‌های خُرد نیز شامل درک کلی کیفیت زندگی، تجارب و ارزش‌های فرد و معرف‌های مرتبط مانند رفاه، خوشبختی و رضایت کُلی از زندگی هستند. براگمن و همکاران[5] (۲۰۰۷) نیز کیفیت زندگی را استانداردهای زندگی مانند شغل مناسب، درآمد مناسب، مسکن، مسکن، آموزش سلامتی و بهداشت، درمان، کیفیت محیطی که در آن زندگی می‌کنند، خدمات، امنیّت و محیط زیست به‌عنوان بُعد عینی و میزان رضایت از زندگی را به‌عنوان بُعد ذهنی کیفیت زندگی معرفی می‌کنند. در حوزه‌ی شاخص‌سازی، حیاتی و همکاران[6] (۲۰۰۶) با استفاده از روش‌های کمّی و کیفی بر پایه روش‌های مشارکتی و با ترکیبی از نظرات کارشناسان و افراد بومی شاخص‌های، موقعیت و پایگاه اجتماعی (مشارکت اجتماعی، سطح تحصیلات سرپرست و همچنین سایر اعضای خانواده و دسترسی به منابع اعتباری و غیره)، وضعیت درآمدی (درآمد سالیانه خانوار)، دارایی‌ها (مالکیت زمین و تعداد دام، تجهیزات کشاورزی و تجهیزات زندگی و غیره)، وضعیت تغذیه‌ای (کیفیت و کمیت مواد غذایی)، مسکن (داشتن خانه و وسایل به‌کار رفته در دیوار و سقف خانه‌ها) و تأمین اجتماعی (استفاده از خدمات بهداشتی و بیمه و غیره) را برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی در مناطق روستایی ایران تدوین کرده‌اند.

صاحبنظران بر این باورند که اصطلاح کیفیت زندگی، همانند مفهوم توسعه تا اندازه‌ای مبهم است، و از طرفی، کیفیت زندگی همانند محرومیت، مشخصه‌ای چند بُعدی می‌باشد (پورطاهری و همکاران،

[1] Pacione
[2] Das
[3] Pall & Kumar
[4] Brown & et al
[5] Bruggeman & et al
[6] Hayati & et al

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

۱۳۹۲). زیرا از یکسو، کیفیت زندگی فردی به‌صورت پنداشتی از نحوه گذران زندگی فرد می‌شود و از سویی کلی‌تر، در برگیرنده موقعیت‌های زندگی در مکان‌های مختلف حول عاملی مشخص است که این موقعیت‌ها عبارت‌اند از: محیط پیرامون و یا فرهنگ در جامعه‌ای معین (بوکنیا[1]، ۲۰۰۳ : ۲۰۵).

بی‌تردید با توجه به تنوع، چندگانگی و پویایی که در فضای مفهومی و نظری سازه کیفیت زندگی وجود دارد، نیل به چارچوب واحد برای سنجش کیفیت زندگی چندان ممکن نیست؛ همچنین کمپ[2] و همکاران (۲۰۰۳) بیان می‌کنند که، تاکنون چارچوب جامع و واحدی برای مطالعه‌ی کیفیت زندگی به‌صورت یکپارچه و کل‌گرایانه ارائه نشده است؛ در نتیجه مرور و آگاهی از شاخص‌های کیفیت زندگی برای ساختن چارچوبی کارآتر برای این سازه (کیفیت زندگی) ضرورت دارد. بنابراین، برای دستیابی به شاخص‌های مورد بررسی این پژوهش به برخی مطالعات مهم در این زمینه پرداخته می‌شود.

حیدری (۱۳۹۰) در بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی استان کهگیلویه و بویر احمد به این نتیجه رسید که، با وجود اقداماتی که تا کنون برای توسعه روستایی در استان مذکور و حتی سایر روستاهای کشور انجام گرفته، هنوز هم تفاوت‌های معناداری بین دسترسی به خدمات و امکانات و همچنین کیفیت زندگی در نقاط روستایی و شهری وجود دارد و شرایط به‌نفع جوامع شهری می‌باشد. تنها شاخصی که در آن وضعیت نقاط روستایی این استان مطلوب‌تر از نقاط شهری و متوسط نقاط روستایی کشور می‌باشد، مالکیت خصوصی واحدهای مسکونی است. کوچکی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی و سنجش کیفیت زندگی در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه به این نتیجه رسیدند که، از بین هفت معیار اصلی بررسی شده مرتبط با کیفیت زندگی، سه معیار کیفیت زیرساخت‌ها، کیفیت اشتغال و درآمد و کیفیت سلامت و امنیت در سطح بالای رضایت‌مندی ساکنین قرار دارند و در مقابل، چهار معیار کیفیت گذران اوقات فراغت، کیفیت محیطی، کیفیت سکونتگاه‌ها و کیفیت آموزش پایین‌تر از حد متوسط گویه‌ها ارزیابی شده است.

پورطاهری و همکاران (۱۳۸۹) برای ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، ابعاد اجتماعی (کیفیت آموزش، سلامت و امنیت و کیفیت اوقات فراغت)، کالبدی (کیفیت مسکن، کیفیت زیرساخت‌ها)، محیطی (کیفیت محیطی) و اقتصادی (کیفیت اشتغال و درآمد) را درنظر گرفتند که نتایج مطالعه‌ی آنها حاکی از متوسط بودن کیفیت سلامت و امنیت و کیفیت کالبدی بود. این در حالی بود که کیفیت آموزش، کیفیت محیط مسکونی، کیفیت محیط فیزیکی و نیز کیفیت درآمد و اشتغال، پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی شده است. فلیکس و گارسیاوگا[3] (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان اندازه‌گیری تکوینی کیفیت زندگی در مکزیک که در آن از شاخص‌هایی همچون سلامتی، درآمد، کار، آموزش، امنیت،

[1] Bukenya
[2] Kamp
[3] Felix & Garciavega

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

خدمات اجتماعی غیردولتی، ارتباطات اجتماعی و شادی بهره جُسته بودند، به این نتیجه رسیدند که میزان رضایتمندی افراد مورد مطالعه از شاخص‌های اقتصاد محور یا پول محور از قبیل، درآمد و کار، نسبت به شاخص‌هایی چون شادی، روابط اجتماعی یا خدمات اجتماعی دارای رتبه و اهمیت کمتری است.

در مجموع، کیفیت زندگی می‌تواند یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعات روستایی در کشورهای مختلف باشد، از طرف دیگر همان‌طور که قبلاً بیان شد با توجه به پیچیدگی و تنوّعی که در فضای مفهومی کیفیت زندگی وجود دارد، هر یک از محققان برای سنجش آن از شاخص‌های متفاوتی استفاده می‌کنند. در این پژوهش، کیفیت زندگی در دو بُعد عینی و ذهنی مورد سنجش قرار گرفته است، که شاخص‌های مربوط به هر بُعد در چارچوب نظری پژوهش (شکل ۱) بیان شده است، که در مرور پیشینه‌نگاشته‌ها و مبانی نظری، خصوصاً در مطالعه‌ی (حیاتی و همکاران، ۲۰۰۶) به آنها اشاره شده است.

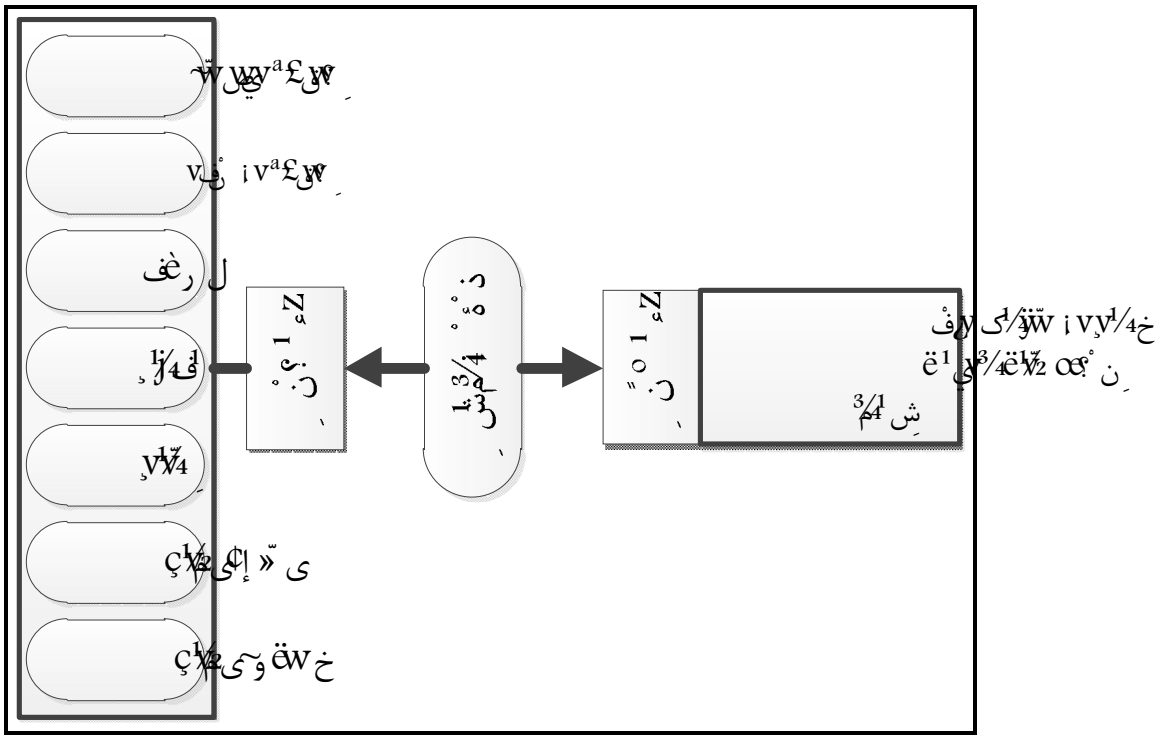

شکل شماره (۱): چارچوب نظری پژوهش

۳) روش تحقیق

مطالعه حاضر با توجه به هدف از نوع کاربردی و از لحاظ نحوه جمع‌آوری داده‌ها به‌صورت پیمایشی[1] است. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شد که برای بررسی روایی صوری آن از نظرات

[1] Survey

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های یاسوج و شیراز و برای بررسی پایایی آن، مطالعه‌ی پایلوت[1] در خارج از جامعه آماری (روستای علی‌آباد در جیرفت) انجام گرفت. محاسبه آماره‌ی آلفای کرونباخ برای شاخص‌های مختلف، موقعیت و پایگاه اجتماعی با شش گویه (۰/۷۱۰)؛ امنیت اجتماعی با یازده گویه (۰/۸۱۰)؛ میزان رضایت از ابعاد عینی با هفت گویه (۰/۸۹۸) برآورد شد. واحد تحلیل در این مطالعه، سرپرستان خانوارها بودند. جامعه آماری در این مطالعه بر اساس آمار به‌دست آمده از فرمانداری شهرستان جیرفت، ۴۲۴۳ خانوار بود که با استفاده از جدول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان (Patten, 2002) نمونه آماری برابر ۳۵۰ خانوار انتخاب گردید. که نمونه‌ها به‌صورت طبقه‌ای با انتساب متناسب، با جمعیت هر دهستان و منطقه‌ی جغرافیایی انتخاب شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم افزار $SPSS_{20}$ انجام گرفته است.

شهرستان جیرفت در قسمت جنوبی استان کرمان واقع شده و دارای ۴ نقطه شهری "جیرفت، درب بهشت و جبال‌بارز و بلوک" و ۴ بخش و ۱۱ دهستان "اسفندقه، خاتون‌آباد، هلیل، اسلام‌آباد، دولت‌آباد، سربیژن، سقدر، دلفارد، رضوان، کریم‌آباد و گنج‌آباد" و ۱۲۲۸ آبادی دارای سکنه می‌باشد (فرمانداری شهرستان جیرفت، ۱۳۹۰).

۴) یافته‌های تحقیق

تحلیل ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان حاکی از آن است که میانگین سنی آنان در حدود ۵۱/۴۱ سال با انحراف معیار ۱۰/۴۰ سال بوده است. تمامی پرسش‌شوندگان مرد و متأهل نیز بوده‌اند. در مورد تحصیلات پاسخ‌گویان نتایج نشان داد که ۷۸ نفر (۲۲/۳ درصد) از آنان بی‌سواد، ۴۲ نفر (۱۲ درصد) تحصیلات در سطح خواندن و نوشتن، ۱۳ نفر (۳/۷ درصد) سیکل، ۱۱۲ نفر (۳۲ درصد) دیپلم، ۴۰ نفر (۱۱/۴ درصد) فوق دیپلم و ۶۵ نفر (۱۸/۶ درصد) سطح تحصیلات لیسانس داشته‌اند. افراد مورد مطالعه در پنج گروه شغلی فعالیت داشته‌اند به‌طوری که ۴۹/۱ درصد (۱۷۲ نفر) به کشاورزی (زراعت و باغداری)، ۲/۹ درصد (۱۰ نفر) دامداری و ۱۱۳ نفر (۳۲/۳ درصد) هم به کشاورزی و هم به دامداری مشغول بوده‌اند. بعلاوه ۵۵ نفر (۱۵/۷ درصد) به سایر شغل‌ها اشتغال داشته‌اند.

۴-۱) وضعیت کیفیت زندگی به‌لحاظ شاخص‌های عینی

۴-۱-۱) موقعیت و پایگاه اجتماعی

شاخص موقعیت و پایگاه اجتماعی با شش گویه در قالب طیف لیکرت سنجیده شد که در این میان، "گویه کارآمد بودن در حیطه‌ی شغلی" در میان سایر گویه‌های این شاخص با میانگین ۳/۴۴ از وضعیت مناسب‌تری برخوردار بود. همچنین نتایج تحلیل این شاخص، با توجه به میانگین کل گویه‌ها ۲/۷۵

[1] Pilot study

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

به‌دست آمده که پایین‌تر از میانگین نظری (عدد ۳) می‌باشد؛ بیانگر این است که وضعیت خانوارهای مورد مطالعه از لحاظ این شاخص در سطح پایین‌تر از متوسط می‌باشد. برای مقایسه‌ی میانگین شاخص موقعیت و پایگاه اجتماعی مناطق روستایی مورد مطالعه از تحلیل واریانس یک‌طرفه بهره‌گرفته شد، و نتایج حاکی از آن بود که تفاوتی بین روستاها از لحاظ میانگین در این شاخص وجود ندارد، در واقع می‌توان اذعان داشت که روستاهای مورد مطالعه از لحاظ موقعیت و پایگاه اجتماعی در یک سطح قرار دارند.

۴-۱-۲) امنیّت اجتماعی

شاخص امنیت اجتماعی با ۱۱ گویه در قالب طیف لیکرت سنجیده شد. بعضی از گویه‌های این شاخص مانند، میزان شیوع جرم و جنایت به‌صورت معکوس بیان شده بود که هر چه این مقدار کمتر باشد، وضعیت این شاخص بهتر خواهد بود. بنابراین، برای امکان تجمیع این گویه‌ها با سایر گویه‌های این شاخص، ابتدا این گویه‌ها با سایر گویه‌های دیگر هم جهت شد، که هر چه عدد بالاتری را نشان دهند بیان‌کننده‌ی وضعیت بهتر این شاخص خواهد بود. با توجه ضریب تغییرات محاسبه شده مشخص شد که گویه، "امید به بهترشدن وضعیت زندگی در آینده"، در میان افراد مورد مطالعه با میانگین ۴/۵۶ در این شاخص، در رتبه اول نسبت به سایر گویه‌ها قرار گرفت و گویه‌ی "متناسب بودن نیاز افراد با کمک‌ها و برنامه‌های دولتی" با میانگین ۲/۴۶ در رتبه‌ی آخر قرار گرفت. همچنین نتایج تحلیل این شاخص، با توجه به میانگین کل گویه‌ها ۳/۴۳، که بالاتر از میانگین نظری (عدد ۳) می‌باشد؛ بیانگر این است که، وضعیت خانوارهای مورد مطالعه از لحاظ این شاخص در سطح متوسط و بالاتری می‌باشد. علاوه بر آن، یافته‌های آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (F= ۲۳/۲۸۱ , Sig=۰/۰۰۰۱) نشان داد که بین روستاهای مورد مطالعه از لحاظ میانگینِ این شاخص تفاوت معناداری در سطح یک درصد وجود دارد. برای نشان دادن اینکه روستاها از لحاظ این شاخص در چند طبقه قرار دارند، از آزمون تعقیبی دانکن بهره گرفته شد. همان‌طور که در جدول ۱، مشخص است روستاهای دلفارد (بدترین وضعیت) و سربیژن (بهترین وضعیت) دارد و از روستاهای دیگر کاملاً متفاوت هستند. شاید دلیل این یافته، این باشد که روستای دلفارد به این علت که اولین و نزدیک‌ترین منطقه‌ی خوش آب و هوا به شهرستان جیرفت می‌باشد و دارای پتانسیل‌های گردشگری بسیار بالایی می‌باشد و اکثر مردم شهرستان جیرفت و حومه خصوصاً جوانان و نوجوانان در ایّام تعطیل در این روستا هستند و از طرف دیگر، مردمان شهرستان‌های (کهنوج، رودان، میناب و تا حدودی بندرعباس) به علت اینکه در یک منطقه‌ی کاملاً گرمسیری و خشک زندگی می‌کنند، اکثراً روستای دلفارد را بهترین و نزدیک‌ترین مکان برای گذران اوقات فراغت خود انتخاب می‌کنند، به‌نحوی که اکثر قشر مرفّه شهرستان‌های نامبرده اقدام به خرید باغ و ویلا در این روستا کرده‌اند. اکثر افراد این

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

روستا غیر بومی بوده و فقط در ایّام تعطیل و تابستان در آنجا سکنی دارند. از طرف دیگر، این روستا فقط دارای یک پاسگاه پلیس تقریباً غیرفعال می‌باشد، به‌همین خاطر میزان شیوع جرم و جنایت در این روستا بالا می‌باشد. تمامی موارد ذکر شده باعث شده که امنیّت اجتماعی افراد در روستای دلفارد در پایین‌ترین سطح نسبت به سایر روستاهای مورد مطالعه قرار گیرد.

جدول شماره (۱): طبقه‌بندی روستاها بر اساس شاخص امنیت اجتماعی با استفاده از آزمون دانکن

روستا	نمونه	میانگین	F	Sig
سربیژن	۳۷	۴/۰۲ [a]	۲۳/۲۸۱	۰/۰۰۰۱
اسلام‌آباد	۳۰	۳/۴۹ [b]		
اسفندقه	۳۴	۳/۴۸ [b]		
دولت‌آباد	۳۲	۳/۴۷ [b]		
سقدر	۳۰	۳/۴۵ [b]		
رضوان	۳۰	۳/۴۱ [dcb]		
کریم‌آباد	۳۲	۳/۳۹ [dcb]		
هلیل	۳۰	۳/۳۱ [dc]		
گنج‌آباد	۳۵	۳/۲۸ [dc]		
خاتون‌آباد	۳۰	۳/۲۵ [d]		
دلفارد	۳۰	۳/۰۸ [e]		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲ (میانگین: ۳/۴۳ ؛ انحراف معیار: ۰/۳۷)

توضیح: حروف غیر یکسان نشان‌دهنده‌ی تفاوت معنادار می‌باشد.

۴-۱-۳) شاخص مسکن

شاخص مسکن با دو زیرشاخص سنجیده شد. در ابتدا برای محاسبه زیرشاخص کیفیت و کمیت مسکن، برای هر یک از اجزاء مسکن با توجه به مصالح به‌کار رفته و منابع مربوطه در این زمینه (کریمی، ۱۳۹۱: ۷۵) امتیازاتی تعیین شد، سپس امتیاز هر یک از بخش‌ها با هم جمع شد و به‌عنوان امتیاز نهایی مسکن در نظر گرفته شد. نحوه‌ی امتیازدهی و محاسبه آن در (جدول ۲) آورده شده است.

جدول شماره (۲): جنس مسکن و امتیازات محاسبه شده

مصالح		سقف		کف		نحوه ساخت		نوع مالکیت	
جنس	امتیاز	جنس	امتیاز	جنس	امتیاز	نوع ساخت	امتیاز	مالکیت	امتیاز
گل و خشت	۱	چوب	۱	گل	۱	قدیمی	۱	استیجاری	۱
بلوک سیمانی	۲	تیراهن	۲	سیمان	۲	نسبتاً جدید	۲	ملکی	۲
آجر	۳	بتون	۳	کاشی و سرامیک	۳	جدید	۳	-	
بتون	۴		-	-		-		-	

منبع: اقتباس از کریمی، ۱۳۹۱

نظر به اینکه امتیاز هر یک از بخش‌های مسکن مشخص شده است، بنابراین مسکن، بادوامِ مطلوب امتیازی برابر ۱۵ (مجموع امتیاز کل بخش‌ها) می‌گیرد و مسکن، بادوامِ نامطلوب امتیاز ۵ می‌گیرد، از این رو، دامنه‌ی امتیازاتِ این زیر شاخص (۵ تا ۱۵) خواهد بود، سپس با استفاده از استانداردسازی فازی که

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

در رابطه (۱) مشخص شده است، اقدام به استاندارد کردن شد. با توجه به قابلیت این نوع استانداردسازی، فاصله‌ی شاخص‌ها از حدمطلوب و نامطلوب آن مشخص شده و شاخص‌ها در بازه‌ی "صفر و یک" بیان می‌شوند (کریمی، ۱۳۹۱: ۷۵).

$$r_{ij} = \frac{x_{ij} - x_j^{min}}{x_j^{max} - x_j^{min}}$$ رابطه، ۱)

در این رابطه، xi : ارزش شاخص iام؛ x_j^{min} : کمینه iام؛ x_j^{max} بیشینه نماگر iام می‌باشد.

همچنین وضعیت روستاهای مورد مطالعه از لحاظ این زیر شاخص به تفکیک مناطق روستایی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که روستای دلفارد، با میانگین ۰/۶۸و انحراف معیار ۰/۱۷ در رتبه اول و روستای کریم‌آباد، با میانگین ۰/۷۲ و انحراف معیار ۰/۲۹ در رتبه آخر قرار گرفت.

برای سنجش زیرشاخص امکانات ضروری مسکن، جزئیات و امکانات ضروری مسکن از قبیل داشتن حمام، سرویس بهداشتی، امکانات سرمایشی، امکانات گرمایشی، داشتن اتاق کافی در منزل مسکونی از ۵ گویه به‌صورت دارد و ندارد، استفاده شد و سپس با استفاده از روش معرفی شده توسط (Hayati & et al, 2006:376) اقدام به شاخص‌سازی شد، که جزئیات این زیرشاخص در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول شماره (۳): شاخص سازی جزئیات و امکانات ضروری مسکن

موجودیت	امتیاز	موجودیت	امتیاز
بدون هیچ امکاناتی	۰	داشتن حداقل یک پنجم امکانات	۱
داشتن حداقل دو پنجم	۲	داشتن حداقل سه پنجم	۳
داشتن حداقل چهار پنجم امکانات	۴	داشتن کامل امکانات	۵

منبع: اقتباس از (Hayati & et al, 2006)

بنابراین، مسکن با جزئیات و امکانات مطلوب امتیازی برابر ۵ (بیشینه) می‌گیرد و مسکن بدون هیچ امکاناتی، امتیاز صفر (کمینه) می‌گیرد. دامنه‌ی امتیازات این زیر شاخص بین (۰ تا ۵) خواهد بود. سپس، با استفاده از رابطه‌ی، ۱ اقدام به استاندارد سازی فازی برای این زیرشاخص شد. برای محاسبه شاخص نهایی مسکن، با توجه به اینکه زیرشاخص‌های بخش مسکن با استفاده از رابطه ۱ استاندارد گردید، قابلیت تجمیع دارند. بنابراین، این دو زیر شاخص جمع و بر دو تقسیم شد، و به‌عنوان شاخص نهایی مسکن معرفی شد. وضعیت مسکن اکثر افراد مورد مطالعه با توجه به اینکه دامنه‌ی میانگین بین (صفر و یک) می‌باشد و با توجه به میانگین به‌دست آمده (۰/۷۴) در حد خوبی برآورد شد. این نتیجه با یافته‌های حیدری (۱۳۹۰) مبنی بر اینکه شاخص مسکن به علت کمتر بودن هزینه‌های ساخت‌وساز و ارزانتر بودن زمین‌های مسکونی، در نقاط روستایی تقریباً مطلوب‌تر و در وضعیت مناسب‌تری نسبت به نقاط شهری می‌باشد، هم‌راستا می‌باشد و با نتایج تحقیق پورطاهری و همکاران (۱۳۸۹)، که در آن وضعیت شاخص مسکن پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی شد، مغایرت دارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

جدول شماره (۴): طبقه‌بندی روستاها بر اساس شاخص کل مسکن با استفاده از آزمون دانکن

روستاها	نمونه	میانگین	F	Sig
اسفندقه	۳۴	0/84 [a]	۴/۰۷	۰/۰۰۰۱
خاتون‌آباد	۳۰	0/79 [ba]		
سقدر	۳۰	0/79 [ba]		
اسلام‌آباد	۳۰	0/79 [cba]		
رضوان	۳۰	0/76 [cba]		
کریم‌آباد	۳۲	0/75 [dc]		
دلفارد	۳۰	0/72 [ed]		
گنج‌آباد	۳۵	0/71 [ed]		
دولت‌آباد	۳۲	0/68 [edc]		
سربیژن	۳۷	0/67 [ed]		
هلیل	۳۰	0/65 [e]		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲ (*دامنه میانگین: ۰ تا ۱ ؛ میانگین: ۰/۷۴ ؛ انحراف معیا ر: ۰/۱۸)
توضیح: حروف غیر یکسان نشان‌دهنده‌ی تفاوت معنادار می‌باشد.

نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه (F= ۴/۰۷ , Sig =۰/۰۰۰۱) که در جدول ۴ آمده است حاکی از آن است که روستاهای مورد مطالعه از لحاظ شاخص کل مسکن در پنج طبقه قرار می‌گیرند. روستای "هلیل" از لحاظ میانگین شاخص مورد نظر در پایین‌ترین سطح و روستای "اسفندقه" در بالاترین سطح قرار دارد.

۴-۱-۴) درآمد

برای توصیف و دسته‌بندی شاخص درآمد، از رابطه ۲ یعنی میانگین، انحراف معیار و فاصله انحراف از معیار میانگین (ISDM) استفاده شده است.

A=ضعیف: $Min \leq A < Mean - SD$
A= متوسط: $Mean - SD \leq A < Mean$
A=خوب: $Mean \leq A < Mean + SD$ رابطه، ۲)
A=عالی : $Mean + SD \leq A < Max$

همان‌طور که در (جدول، ۵) آمده است، بیشترین فراوانی در طبقه‌ی سوم با فراوانی ۱۹۲ نفر (۵۴/۹ درصد) وجود دارد. همچنین (۷/۷) درصد از افراد مورد مطالعه از درآمد پایینی برخوردارند. نتایج تحلیل این شاخص نشان می‌دهد، با توجه به میانگین به‌دست آمده (۲۰/۳۸) میلیون تومان در سال، اکثر افراد مورد مطالعه از درآمد متوسطی برخوردارند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

جدول شماره (۵): دسته‌بندی شاخص درآمد خانوارهای مورد مطالعه بر حسب میلیون تومان

درآمد	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
عالی (۸۶- ۳۰/۷۷)	۳۶	۱۰/۳	۱۰/۳
خوب (۳۰/۷۷- ۲۰/۳۸)	۹۵	۲۷/۱	۳۷/۴
متوسط (۲۰/۳۸- ۹/۹۹)	۱۹۲	۵۴/۹	۹۲/۳
ضعیف (۹/۹۹- ۱/۷)	۲۷	۷/۷	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲ (میانگین: ۲۰/۳۸ ؛ انحراف معیار: ۱۰/۳۹ ؛کمینه: ۱/۷ ، بیشینه: ۸۶)

نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (F= ۴/۰۱۸ , Sig =۰/۰۰۰۱) نشان داد که بین روستاهای مورد مطالعه از لحاظ میانگین شاخص نهایی درآمد تفاوت وجود دارد، بر همین اساس نتایج آزمون تعقیبی دانکن که در جدول ۶ ارائه شده است، بیانگر آن است که، روستاهای مورد مطالعه از لحاظ شاخص نهایی درآمد در چهار سطح a؛ b؛ c و d قرار می‌گیرند. روستای "خاتون‌آباد" به‌لحاظ میانگین شاخص درآمد در (بالاترین) سطح قرار دارد و با سایر روستاهای مورد مطالعه از لحاظ میانگین شاخص درآمد کاملاً متفاوت است که این نتیجه می‌تواند به دلیل نزدیک بودن این روستا به شهر جیرفت و در نتیجه بالا بودن دسترسی مردم این روستا به امکانات و نهاده‌های کشاورزی، به‌علاوه موقعیت جغرافیایی مناسب‌تر نسبت به سایر روستاهای مورد مطالعه باشد. همچنین روستای "هلیل" اگر چه از نظر فاصله به مرکز شهر جیرفت با روستای "خاتون‌آباد" در وضعیت مشابهی قرار دارد، اما عامل کوچک بودن این روستا نسبت به روستاهای دیگر و در نتیجه کم بودن زمین کشاورزی و همچنین کم بودن نیروی جوان شاغل در زمینه‌های کشاورزی و دامداری و افزایش مهاجرت‌های موقتی جوانان برای اشتغال در امور شهری باعث شده که با کمترین مقدار در (پایین‌ترین) سطح میانگین درآمدی قرار گیرد.

جدول شماره (۶): طبقه‌بندی روستاها بر اساس شاخص درآمد با استفاده از آزمون دانکن

روستاها	نمونه	میانگین	F	Sig
خاتون‌آباد	۳۰	۲۷/۷۶ a	۴/۰۱۸	۰/۰۰۰۱
کریم‌آباد	۳۲	۲۴/۱۸ ab		
دلفارد	۳۰	۲۳/۳۷ bcd		
اسفندقه	۳۴	۲۲/۰۶ bc		
رضوان	۳۰	۲۰/۲۸ dbc		
سقدر	۳۰	۲۰/۲۸ bc		
دولت‌آباد	۳۲	۱۹/۰۱ db		
گنج‌آباد	۳۵	۱۸/۱۹ db		
سربیژن	۳۷	۱۷/۰۵ d		
اسلام‌آباد	۳۰	۱۶/۵۰ d		
هلیل	۳۰	۱۶/۴۵ d		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲ (میانگین: ۲۰/۳۸ ؛ انحراف معیار: ۱۰/۳۹)

توضیح: حروف غیر یکسان نشان‌دهنده‌ی تفاوت معنادار می‌باشد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

۴-۱-۵) دارایی‌ها

این شاخص با استفاده از پنج زیر شاخص سنجیده شد. امتیازات زیرشاخص ابزارآلات و ماشین‌آلات کشاورزی درجدول ۷ نشان داده شده است. با توجه به این جدول، کمینه امتیاز برابر صفر خواهد بود، که بیانگر عدم دسترسی است و بیشینه عددی برابر ۳ است که بیانگر دسترسی کامل می‌باشد. برای مثال اگر شخصی یک ششم از تراکتور و یک ششم از موتور آب را داشته باشد، امتیازی برابر ۰/۵ می‌گیرد و اگر شخصی تراکتور و موتور آب داشته باشد، امتیازی برابر ۳ می‌گیرد. همچنین برای اینکه قابلیت تجمیع با سایر زیر شاخص‌های بخش دارایی را داشته باشد، با استفاده از فرمول استانداردسازی فازی (رابطه، ۱) داده‌ها استاندارد شد.

جدول شماره (۷): نحوه شاخص‌سازی ابزارآلات و ماشین‌آلات کشاورزی

موجودیت	امتیاز	موجودیت	امتیاز
عدم موجودیت	۰	یک تراکتور	۱
یک موتور آب	۲	یک تراکتور و یک موتور آب	۳

منبع: اقتباس از Hayati & et al, 2006

وضعیت مناطق روستایی مورد مطالعه از لحاظ این زیر شاخص به تفکیک مناطق روستایی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که روستای اسفندقه با میانگین ۰/۵۲ و انحراف معیار ۰/۳۵ در رتبه اول و روستای دلفارد، با میانگین ۰/۱۱ و انحراف معیار ۰/۱۹ در رتبه‌ی آخر قرار دارد. در روستای اسفندقه به علت وسعت جغرافیایی زیاد و به دلیل بالا بودن وسعت اراضی تحت مالکیت، اکثر مردم به کشت گندم و جو و محصولات جالیزی می‌پردازند. با توجه به این نکته، ایجاب می‌کند که مردم این روستا برای کاشت و برداشت محصولات نامبرده و همچنین برای کاهش هزینه‌های برداشت، دسترسی بیشتری به ماشین‌آلات و ابزارآلات کشاورزی داشته باشند، برعکس مردم روستای دلفارد، اکثر محصولات آنها به‌صورت باغی می‌باشد و سطح زیرکشت محصولات نیز در این روستا، به علت بالا بودن قیمت زمین و باغ بسیار اندک است. از این روّ، نیاز کمتری به ماشین‌آلات و ابزارآلات کشاورزی از قبیل تراکتور، کمباین و موتور آب دارند.

برای محاسبه زیرشاخص وسایل نقلیه، با استفاده از روش معرفی شده توسط (Hayati & et al, 2006:376) و با توجه به منطقه‌ی مورد مطالعه و داده‌های جمع‌آوری شده، اقدام به شاخص‌سازی و سپس امتیازدهی شد. بر این اساس، کمینه امتیازی برابر صفر می‌گیرد که بیانگر عدم دسترسی به وسایل نقلیه است و بیشینه، عددی برابر ۵ خواهد داشت که بیانگر دسترسی کامل به وسایل نقلیه (احشام؛ دوچرخه؛ موتور سیکلت؛ اتومبیل باری؛ اتومبیل سواری) می‌باشد. سپس، برای قابلیت تجمیع با سایر زیر شاخص‌های بخش دارایی کُل، با استفاده از فرمول استاندارد سازی فازی (رابطه، ۱) داده‌ها استاندارد

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

شدند. همچنین، وضعیت مناطق روستایی مورد مطالعه به لحاظ زیر شاخص وسایل نقلیه، به تفکیک مناطق روستایی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد به لحاظ این زیر شاخص، روستای سقدر با میانگین ۰/۲۳ و انحراف معیار ۰/۰۷ در رتبه اول و روستای سربیژن با میانگین ۰/۲۳ و انحراف معیار ۰/۱۵ در رتبه‌ی آخر قرار دارد.

برای محاسبه زیر شاخص وسایل ضروری زندگی، از پنج گویه با پاسخ‌های "دارد و ندارد" استفاده شد. تقریباً همه افراد مورد مطالعه (۹۸ درصد) به این زیرشاخص دسترسی داشتند. در ادامه، با استفاده از روش معرفی شده توسط (Hayati & et al, 2006:376) اقدام به شاخص‌سازی و امتیازدهی شد. به این ترتیب، اگر خانوار بدون هیچ امکاناتی باشد، امتیاز صفر (کمینه) و اگر خانواری همه وسایل ضروری زندگی را داشته باشد، امتیاز ۵ (بیشینه) می‌گیرد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، امتیازدهی به‌نحوی انجام شد که این زیر شاخص نیز با استفاده از رابطه، ۱ با توجه به کمینه و بیشینه‌ی امتیازات، در بازه‌ی (صفر و یک) قرار گیرد.

برای سنجش زیرشاخص اراضی تحت مالکیت، وضعیت مناطق روستایی مورد مطالعه به تفکیک مناطق روستایی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که، از لحاظ این زیرشاخص روستای سقدر با میانگین ۲/۹۰ و انحراف معیار ۱/۲۴ در رتبه اول و روستای دلفارد با میانگین ۳/۹۷ و انحراف معیار ۵/۹۷ در رتبه‌ی آخر قرار دارد. با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده از سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه در روستاهای مختلف، دامنه‌ی اراضی تحت مالکیت در بین روستاها (۰ تا ۱۵) هکتار بود که با توجه به کمینه و بیشینه آن، با استفاده از (رابطه، ۱) اقدام به استانداردسازی فازی برای این زیرشاخص شد.

برای سنجش زیرشاخص تعداد دام، ابتدا واحد دامی تعیین شد؛ به این ترتیب که تعداد یک رأس گاو معادل ۴ رأس گوسفند در نظر گرفته شد و سپس اقدام به دسته‌بندی برای تعداد دام‌ها شد (۶ دسته) و و برای هر کدام از دسته‌ها امتیازی در نظر گرفته شد. در نهایت، با توجه به کمینه و بیشینه آن که اعداد صفر و ۶ هستند، طبق (رابطه، ۱) اقدام به استانداردسازی فازی شد.

در نهایت پنج زیرشاخص فوق، به‌عنوان شاخص دارایی کل معرفی شدند که این نتایج در جدول ۸ ارائه شده است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، زیرشاخص وسایل ضروری زندگی نسبت به سایر زیرشاخص‌های بخش دارایی از وضعیت مناسب‌تری برخوردار است و تقریباً همه افراد مورد مطالعه (۹۸ درصد)، به این زیرشاخص دسترسی دارند. از سوی دیگر، زیرشاخص وسایل نقلیه، نسبت به سایر زیرشاخص‌های این بخش، وضعیت نامطلوب‌تری دارد و افراد مورد مطالعه به وسایل نقلیه از جمله، ماشین سواری و باری؛ موتور سیکلت و غیره دسترسی مطلوبی ندارند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

جدول شماره (۸): میانگین استاندارد شده هر یک از زیر شاخص های بخش دارایی

دارایی کُل	میانگین استاندارد شده	انحراف معیار
ماشین آلات کشاورزی	۰/۳۲	۰/۲۱
وسایل نقلیه	۰/۲۱	۰/۱۱
اراضی تحت مالکیت	۰/۲۲	۰/۲۵
تعداد دام	۰/۳۲	۰/۴۴
وسایل ضروری زندگی	۰/۹۸	۰/۰۵
دارایی کل	۰/۴۱	۰/۱۲

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (F= ۵/۷۶۱ , Sig =۰/۰۰۰۱) نشان داد که بین روستاهای مورد مطالعه از لحاظ میانگین شاخص دارایی کل تفاوت وجود دارد. به‌منظور نشان دادن این تفاوت از آزمون تعقیبی دانکن بهره گرفته شد که نتایج آن در جدول ۹ ارائه شده است. بر این اساس، روستاها در چهار طبقه قرار می‌گیرند که در این میان روستاهای "دلفارد و گنج‌آباد" در پایین‌ترین سطح و روستاهای "سربیژن و اسفندقه" در بالاترین سطح قرار دارد و از لحاظ میانگین شاخص دارایی کُل در وضعیت مناسب‌تری نسبت به سایر روستاها قرار دارد. نتایج نشان می‌دهد که با توجه به میانگین استاندارد شده کل (۰/۴۱) در شاخص دارایی، اکثر افراد مورد مطالعه از لحاظ این شاخص در سطح پایین‌تر از متوسط قرار دارند.

جدول شماره (۹): طبقه‌بندی روستاها بر اساس شاخص دارایی کل با استفاده از آزمون دانکن

روستاها	نمونه	میانگین	F	Sig
سربیژن	۳۷	۰/۴۸ a	۵/۷۶۱	۰/۰۰۰۱
اسفندقه	۳۴	۰/۴۷ ba		
کریم‌آباد	۳۲	۰/۴۲ bc		
رضوان	۳۰	۰/۴۲ bc		
دولت‌آباد	۳۲	۰/۴۱ c		
خاتون‌آباد	۳۰	۰/۴۰ c		
هلیل	۳۰	۰/۳۹ dc		
سقدر	۳۰	۰/۳۸ dc		
اسلام‌آباد	۳۰	۰/۳۷ dc		
گنج‌آباد	۳۵	۰/۳۴ d		
دلفارد	۳۰	۰/۳۳ d		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲ (میانگین: ۰/۴۱ ؛ انحراف معیار: ۰/۱۲ ؛ کمینه: ۰/۱۷ ؛ بیشینه: ۰/۸۳)
توضیح: حروف غیر یکسان نشان‌دهنده‌ی تفاوت معنادار می‌باشد.

۴-۱-۶) سرانه‌ی پوشاک

برای سنجش این شاخص، ابتدا اقدام به دسته‌بندی شد. (۶ دسته) و سپس با استفاده از روش معرفی شده توسط (Hayati & et al, 2006:376) اقدام به امتیازدهی شد و برای هر دسته امتیازی در نظر گرفته

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

شد. سپس، با توجه به کمینه و بیشینه آن که اعداد صفر و ۶ هستند، طبق (رابطه، ۱) اقدام به استاندارد سازی فازی شد. اطلاعات جدول، ۱۰ بیانگر این می‌باشد که هزینه‌ی سرانه پوشاک برای اکثر افراد مورد بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان در سال با فراوانی ۱۹۲ نفر (۵۴/۹) درصد و مربوط به دسته سوم است و هزینه‌ی سالیانه پوشاک برای (۰/۳ درصد) از افراد مورد مطالعه بالاتر از ۶۰۰ هزار تومان در سال، که مربوط به دسته ششُم است، برآورد شد.

جدول شماره (۱۰): توزیع فراوانی سرانه پوشاک

سرانه پوشاک	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کمتر از صد هزارتومان	۰	۰	.
۱۰۰-۲۰۰	۴۲	۱۲	۱۲
۳۰۰-۲۰۰	۱۹۲	۵۴/۹	۶۶/۹
۴۰۰-۳۰۰	۷۹	۲۷/۷	۹۴/۶
۵۰۰-۴۰۰	۱۵	۴/۳	۹۸/۸
۶۰۰-۵۰۰	۳	۰/۹	۹۹/۷
۶۰۰ به بالا	۱	۰/۳	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه (F= ۳۰/۷۷, Sig =۰/۰۰۰۱) نشان داد روستاها از لحاظ این شاخص متفاوتند، که بر اساس نتایج آزمون دانکن، روستاها از لحاظ این شاخص در ۲ طبقه قرار می‌گیرند. روستای دلفارد از لحاظ میانگین شاخص سرانه پوشاک به‌لحاظ آماری با سایر روستاها تفاوت معناداری در سطح یک درصد برخوردار است. سایر روستا تقریباً در یک سطح قرار دارد و تفاوت معنادرای با یکدیگر ندارد (جدول، ۱۱).

جدول شماره (۱۱): طبقه‌بندی روستاها بر اساس شاخص سرانه پوشاک با استفاده از آزمون دانکن

روستاها	نمونه	میانگین	F	Sig
دلفارد	۳۰	۳۶۳/۹۴ [a]	۳۰/۷۷۰	۰/۰۰۰۱
سقدر	۳۰	۳۰۵/ ۸۳ [b]		
سربیژن	۳۷	۳۰۰/۳۷ [b]		
خاتون‌آباد	۳۰	۳۰۰/۱۰ [b]		
گنج‌آباد	۳۵	۲۹۷/۱۶ [b]		
کریم‌آباد	۳۲	۲۸۸/۹۸ [b]		
رضوان	۳۰	۲۸۴/۷۴ [b]		
دولت‌آباد	۳۲	۲۸۰/۷۰ [b]		
هلیل	۳۰	۲۷۷/۳۵ [b]		
اسلام‌آباد	۳۰	۲۷۴/۵۲ [b]		
اسفندقه	۳۴	269/۷۵ [b]		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲ (توضیح: حروف غیر یکسان نشان‌دهنده‌ی تفاوت معنادار می‌باشد)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

۴-۱-۷) سرانه‌ی تغذیه

برای تعیین وضعیت کالری مصرف شده هر خانوار، کلیه غذاهای مورد استفاده توسط خانوارها به گروه‌های مختلف تقسیم‌بندی شده و با استفاده از کالری‌های گزارش شده در جدول ۱۲، ارزش غذایی هر فرد بالغ بر اساس کالری محاسبه گردید.

جدول شماره (۱۲): ارزش تغذیه‌ای هر صد گرم گروه‌های غذایی مختلف بر حسب واحد کالری

گروه‌های غذایی	کالری موجود	گروه‌های غذایی	کالری موجود
آرد، نشاسته، رشته و ماکارونی	۳۶۰	میوه‌های درختی بجز مرکبات	۵۰
انواع برنج، گندم و ذرت	۳۶۰	مرکبات	۴۰
انواع نان	۲۸۰	میوه‌های جالیزی	۲۵
گوشت دام	۳۳۰	حبوبات	۳۰۰
گوشت پرندگان	۲۰۰	قند و شکر	۴۰۰
گوشت ماهی و میگو	۱۰۰	شیرینی‌ها و مرباها	۴۵۰
انواع شیر	۴۴	تخم پرندگان	۸۰
فرآورده‌های شیر	۲۰۰	روغن‌های نباتی	۹۰۰

منبع: افتخاری، ۱۳۹۰

نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه ($F= ۶/۶۶۸$, $sig =۰/۰۰۰۱$) نشان داد که روستاهای مورد مطالعه از لحاظ شاخص مورد نظر در چهار طبقه قرار می‌گیرند. روستای "دلفارد" کاملاً از روستاهای دیگر از لحاظ این شاخص متفاوت است و در وضعیت بهتری از لحاظ میزان مصرف کالری در طول روز قرار دارد. روستاهای "کریم‌آباد و گنج‌آباد" تقریباً در یک وضعیت مشابه و در سطح پایینی از لحاظ وضعیت تغذیه‌ای قرار دارد (جدول ۱۳).

جدول شماره (۱۳): طبقه‌بندی روستاها بر اساس شاخص سرانه تغذیه با استفاده از آزمون دانکن

روستاها	نمونه	میانگین	F	Sig
دلفارد	۳۰	۱۲۰۲/۰ a	۶/۶۶۸	۰/۰۰۰۱
خاتون‌آباد	۳۰	۱۱۹۳/۶ a		
اسفندقه	۳۴	۱۰۹۵/۶ ab		
اسلام‌آباد	۳۰	۱۰۸۷/۷ ab		
دولت‌آباد	۳۲	۹۹۶/۰ bc		
رضوان	۳۰	۹۶۹/۶ bc		
سقدر	۳۰	۹۶۷/۶ dc		
سربیژن	۳۷	۹۵۶/۸ dc		
هلیل	۳۰	۹۴۲/۷ d		
گنج‌آباد	۳۵	۸۹۰/۶ d		
کریم‌آباد	۳۲	۸۸۶/۰ d		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲ (توضیح: حروف غیر یکسان نشان‌دهنده‌ی تفاوت معنادار می‌باشد)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

۴-۲) وضعیت کیفیت زندگی به‌لحاظ شاخص‌های ذهنی (رضایت‌مندی از کیفیت زندگی)

این شاخص با هفت گویه در قالب طیف لیکرت سنجیده شد. با توجه به ضریب تغییرات محاسبه شده مشخص شد که خانوارهای مورد مطالعه از "وضعیت تغذیه" خود با توجه به میانگین به‌دست آمده ۳/۳۷ نسبت به دیگر شاخص‌های مورد مطالعه رضایت بیشتری داشتند، اما میزان رضایت‌مندی این خانوارها از شاخص‌های، "موقعیت و پایگاه اجتماعی و درآمد" با میانگین‌های (۲/۹۲ و ۲/۹۷) در رتبه‌ی آخر قرار گرفت. همچنین برای طبقه‌بندی شاخص میزان رضایت‌مندی از شاخص‌های کیفیت زندگی با توجه به (رابطه، ۲) از روش فاصله‌ی انحراف از میانگین (ISDM) استفاده شد. نتایج نشان داد بیشترین فراوانی در طبقه‌ی سوم با فراوانی ۱۴۳ نفر (۴۰/۹) درصد وجود دارد. همچنین با توجه به میانگین کل ۳/۱۵ بدست آمده از این شاخص، می‌توان نتیجه گرفت که میزان رضایت‌مندی از شاخص‌های بُعد عینی کیفیت زندگی اکثر افراد مورد مطالعه، بالاتر از حد نظری (میانگین نظری عدد ۳) می‌باشد. بنابراین، وضعیت افراد مورد مطالعه از لحاظ شاخص مورد نظر در سطح متوسط و بالاتری قرار دارد.

یافته‌های تحلیل واریانس یک‌طرفه (F= ۳/۳۱۳ , Sig =۰/۰۰۰۱) نشان داد که بین روستاهای مورد مطالعه از لحاظ میانگین رضایت‌مندی از شاخص‌های کیفیت زندگی تفاوت معناداری در سطح یک درصد وجود دارد که برای نشان دادن این تفاوت، نتایج آزمون تعقیبی دانکن نشان داد روستاهای مورد مطالعه از لحاظ این شاخص در چهار طبقه قرار دارند. همان‌طور که در جدول ۱۴ مشخص است، روستاهای دولت‌آباد و گنج‌آباد (بدترین وضعیت) و اسفندقه و دلفارد (بهترین وضعیت) از روستاهای دیگر کاملاً متفاوت هستند. سایر روستاهای مورد مطالعه تقریباً در یک سطح از لحاظ میانگین شاخص مورد نظر قرار دارند.

جدول شماره (۱۴): طبقه‌بندی روستاها بر اساس شاخص رضایتمندی، با استفاده از آزمون دانکن

روستا	نمونه	میانگین	F	Sig
اسفندقه	۳۴	3/46 a	۳/۳۱۳	۰/۰۰۰۱
دلفارد	۳۰	3/42 ab		
کریم‌آباد	۳۲	3/40 ab		
سربیژن	۳۷	3/28 bca		
خاتون‌آباد	۳۰	3/24 bc		
سقدر	۳۰	3/09 dbc		
اسلام‌آباد	۳۰	3/05 dbc		
رضوان	۳۰	3/04 dbc		
هلیل	۳۰	2/90 dc		
گنج‌آباد	۳۵	2/89 dc		
دولت‌آباد	۳۲	2/84 d		

توضیح: حروف غیر یکسان نشان‌دهنده‌ی تفاوت معنادار می‌باشد. (میانگین: ۳/۱۵؛ انحراف معیار: ۰/۷۳)

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

۴-۳) رتبه‌بندی شاخص‌های کیفیت زندگی

در این قسمت برای مشخص کردن اینکه کدام یک از شاخص‌های مورد مطالعه از اهمیت بالاتر یا کمتری در منطقه‌ی مورد مطالعه برخوردار است، تمامی شاخص‌ها با توجه به ضریب تغیرات، رتبه‌بندی شده است. همان‌طور که در جدول ۱۵ آمده است، در میان شاخص‌های مورد مطالعه، شاخص امنیت اجتماعی با میانگین ۳/۴۳ و انحراف معیار ۰/۳۷ در رتبه اول و شاخص درآمد با میانگین ۲۰/۳۸ و انحراف معیار ۱۰/۳۹ در رتبه‌ی آخر قرار دارد.

جدول شماره (۱۵): رتبه‌بندی شاخص‌های مورد مطالعه

شاخص	میانگین	STD	CV	رتبه
امنیت اجتماعی	۳/۴۳	۰/۳۷	۰/۱۰	۱
رضایتمندی	۱۵/۳	۰/۷۸	۰/۲۳	۲
مسکن کل	۰/۷۴	۰/۱۸	۰/۲۴	۳
دارایی کل	۰/۴۱	۰/۱۲	۰/۲۹	۴
سرانه پوشاک	۲۳/۰۸	۷/۴۴	۰/۳۲	۵
سرانه تغذیه	۱۰۱۰۳/۱	۹۵/۳۵۹۷	۰/۳۵	۶
پایگاه اجتماعی	۲/۷۵	۱/۰۶	۰/۳۸	۷
درآمد	۲۰/۳۸	۱۰/۳۹	۰/۵۰	۸

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

به‌طور کلی در مناطق روستایی مورد مطالعه، میزان درآمد برای خانوارهای روستایی، نسبت به قشر شهرنشین با توجه به قرار گرفتن در مناطق حاشیه‌ای و انزوای جغرافیایی، تراکم کم سکونتگاه‌های روستایی، کاهش اشتغال و درآمد در بخش‌های کشاورزی و دامداری و نامناسب بودن راه‌های ارتباطی و شبکه‌های حمل و نقل کمتر می‌باشد. در رابطه با شاخص امنیت اجتماعی می‌توان اذعان داشت که با توجه به غیرهسته‌ای بودن خانوارهای روستایی (اکثر خانوارها به‌صورت خانواده پدری توسعه یافته هستند) اکثراً ازدواج‌های قومی و قبیله‌ای دارند و این خود باعث شده که کمتر دچار از هم‌گسیختگی‌های ناشی از طلاق و قهر شوند. همچنین وجود همین پیوند عاطفی در افراد روستایی به‌هنگام بحث و نزاع‌های قومی و قبیله‌ای و از طرف دیگر احترام به رسم و رسومات و آیین‌ها، از طریق میانجی‌گری کدخداها و ریش‌سفیدان طوایف مختلف در صلح میان آنها، باعث افزایش گذشت و مُدارا می‌شود. علاوه بر این، خانوارهای روستایی مورد مطالعه کمتر با غریبه‌ها ارتباط برقرار می‌کنند و این خود باعث کاهش جمعیت افراد ناآشنا، غیربومی و مهاجر در میان آنها و در نتیجه کاهش شیوع جرم و جنایات می‌شود. تمامی موارد فوق حاکی از تأیید نتایج مذکور در رابطه با در اولویت قرار گرفتن شاخص "امنیت اجتماعی" در مناطق روستایی مورد مطالعه می‌باشد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

۵) نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین جریان‌های فکری که برنامه‌ریزی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، توجه به مفهوم کیفیت زندگی است. این مفهوم لزوم توجه به برنامه‌ریزی با در نظر گرفتن شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی در فرآیند توسعه به‌منظور ارضای نیازهای مادی و معنوی روستاییان را ضروری و اجتناب‌ناپذیر کرده است؛ در این زمینه یکی از بهترین الگوهای ارزیابی، استفاده از دیدگاه‌های خود ساکنین روستاهای مورد مطالعه در مورد وضعیت موجود زندگی و امکانات و دارایی‌های آنها می‌باشد. در این پژوهش عملکرد هر یک از شاخص‌های کیفیت زندگی در روستاهای مورد مطالعه از نظر سرپرستان خانوارها ارزیابی شد. نتایج تحلیل در شاخص پایگاه اجتماعی با توجه به میانگین کل ۲/۷۵ به‌دست آمده پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی شد. در شاخص امنیت اجتماعی، با توجه به میانگین کل ۳/۴۳ به‌دست آمده وضعیت خانوارهای مورد مطالعه بالاتر از متوسط برآورد گردید و یافته‌های مربوط به مقایسه میانگین در این شاخص نشان داد که روستای دلفارد (بدترین وضعیت) و سربیژن (بهترین وضعیت) را دارا می‌باشند. در شاخص کل مسکن، با توجه به میانگین ۰/۷۴ وضعیت مسکن در روستاهای مورد مطالعه بالاتر از متوسط برآورد شد. همچنین نتایج مقایسه میانگین در این شاخص حاکی از آن بود که، روستای "هلیل" از لحاظ میانگین شاخص مورد نظر در پایین‌ترین سطح و روستای "اسفندقه" در بالاترین سطح قرار دارد. شاخص دیگری که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، درآمد بود. با توجه به میانگین ۲۰/۳۸ که مربوط به دسته سوم یعنی اکثر افراد مورد مطالعه بود، بیانگر آن است که اکثر افراد مورد مطالعه از درآمد متوسطی برخوردارند. همچنین نتایج مقایسه میانگین در این شاخص حاکی از آن بود که روستاهای مورد مطالعه از لحاظ این شاخص در چهار طبقه قرار می‌گیرند، که در این میان روستای "خاتون‌آباد" به‌لحاظ میانگین درآمدی در (بالاترین) سطح قرار دارد و با سایر روستاهای مورد مطالعه متفاوت است. شاخص بَعدی دارایی بود که با پنج زیرشاخص سنجیده شد. با توجه به میانگین کل ۰/۴۱ در این شاخص، می‌توان اذعان داشت که وضعیت روستاهای مورد مطالعه از لحاظ دارایی پایین‌تر از متوسط است، و نتایج آزمون دانکن، حاکی از آن بود که روستاهای مورد مطالعه از لحاظ شاخص دارایی کُل، به چهار طبقه تفکیک می‌شوند که در این میان روستاهای "دلفارد و گنج‌آباد" در پایین‌ترین سطح و روستاهای "اسفندقه و سربیژن" در بالاترین سطح از لحاظ میانگین شاخص مورد نظر قرار دارد. شاخص بَعدی سرانه‌ی پوشاک بود که نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل این شاخص نشان داد، هزینه‌ی سرانه‌ی پوشاک برای اکثر افراد مورد بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان در سال با فراوانی ۱۹۲ نفر (۵۴/۹) درصد است. همچنین نتایج مقایسه میانگین در این شاخص حاکی از آن بود که روستاهای مورد مطالعه از لحاظ این شاخص در دو طبقه قرار می‌گیرد که در این میان روستای دلفارد از لحاظ میانگین شاخص مورد نظر در وضعیت مناسبت‌تری نسبت به بقیه روستاها قرار داشت. نتایج به‌دست آمده از آزمون دانکن در شاخص تغذیه،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

بیانگر این بود که روستاهای منطقه از لحاظ میانگین مصرف کالری در هر صد گرم از مواد غذایی مورد استفاده خانوارها، به چهار طبقه قابل تفکیک هستند. در این میان روستای "دلفارد" کاملاً از روستاهای متفاوت است و در وضعیت بهتری از لحاظ میزان مصرف کالری قرار دارد و روستاهای "کریم‌آباد و گنج‌آباد" تقریباً در یک وضعیت مشابه و در سطح پایینی از لحاظ وضعیت تغذیه‌ای قرار دارند. آخرین شاخصی که مورد سنجش قرار گرفت، میزان رضایت‌مندی از ابعاد عینی کیفیت زندگی بود. با توجه به میانگین به‌دست آمده ۳/۱۵ که بالاتر از میانگین نظری (عدد ۳) می‌باشد، وضعیت خانوارهای مورد مطالعه از لحاظ این شاخص در سطح بالاتر از متوسط ارزیابی شد. همچنین نتایج مقایسه میانگین در این شاخص نشان داد که روستاها از لحاظ میانگین شاخص مورد نظر در چهار طبقه قرار دارند که در این میان روستاهای، دولت‌آباد و گنج‌آباد (بدترین وضعیت) و اسفندقه، و دلفارد (بهترین وضعیت)، را دارا بودند.

با توجه به نتایج به‌دست آمده در هر کدام از شاخص‌های کیفیت زندگی پیشنهادهای زیر در جهت بهبود وضعیت کیفیت زندگی برای روستاهای مورد مطالعه ارائه می‌شود:

۱- با توجه به نتایج به‌دست آمده در شاخص امنیت اجتماعی، پیشنهاد می‌شود که در روستاهایی مثل دلفارد، توانمندسازی روستاییان در زمینه‌ی تقویت هر چه بیشتر رفتارهای مناسب اجتماعی از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی در موضوعاتی نظیر "امنیت اجتماعی، افزایش گذشت و مدارا در نزاع‌های خانوادگی و قومی، توسعه و ترویج خوش بینی و تفکرات مثبت، دوری از افکار نگران‌کننده و اولویت دادن به شادی" توسط سازمان‌های زیربط مورد توجه قرار گیرد؛

۲- با توجه به نتایج به‌دست آمده در شاخص کل مسکن پیشنهاد می‌شود در روستاهایی مثل هلیل که در آنها استفاده از مصالح ساختمانی غیراستاندارد همانند خشت و گل، چوب و غیره باعث کاهش کیفیت و کمیت مسکن شده است، سیاست‌گذاری‌های دولتی در این زمینه به‌نحوی طراحی شود که الگوی نظام مهندسی، اعطای کمک‌های دولتی، جلب مشارکت بخش خصوصی و افزایش خدمات بانکی و ورود طرح‌های هادی روستایی در این مناطق ارتقاء یابد؛

۳- با توجه به نتایج به‌دست آمده در شاخص درآمد پیشنهاد می‌شود برای روستاهایی مثل هلیل که از لحاظ این شاخص در وضعیت نامناسبی قرار دارد و همچنین با توجه به نتایج رتبه‌بندی شاخص‌های مورد مطالعه که شاخص درآمد نسبت به سایر شاخص‌های مورد مطالعه در پایین‌ترین رتبه قرار گرفت، با توجه به اینکه منبع درآمدی برای اکثر خانوارهای مورد مطالعه کشاورزی و دامداری می‌باشد، آموزش‌های لازم در این حیطه‌های شغلی و همچنین با توجه به اینکه دامداری نسبت به کشاورزی در مناطق مورد مطالعه از رونق بسیار کمتری برخوردار است، اشاعه و ترویج این حرفه توسط سازمان جهاد کشاورزی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

منطقه به‌صورت احداث دامداری‌های صنعتی و نیمه‌صنعتی با در اختیار گذاشتن وام‌ها و اعتبارات کم بهره انجام گیرد تا باعث بهبود وضعیت درآمدی در این مناطق گردد؛

۴- با توجه به نتایج به‌دست آمده در شاخص سرانه‌ی تغذیه پیشنهاد می‌شود، برای روستاهایی که از این لحاظ در وضعیت بغرنج‌تری قرار دارند (هلیل، کریم‌آباد و گنج‌آباد)، به بررسی نقاط ضعف که باعث این سوء تغذیه شده است، که می‌تواند باعث افزایش بیماری‌ها و مرگ و میر خصوصاً برای کودکان شود، از طریق بینش و روشنگری‌های لازم برای تقویت این شاخص که از نیازهای اساسی انسان نیز می‌باشد توسط سازمان بهداشت مورد توجه جدی قرار گیرد؛

۵- با توجه به اینکه سطح تحصیلات اکثر افراد مورد مطالعه پایین (دیپلم) می‌باشد، پیشنهاد می‌شود که تقویت امکانات آموزشی و فرهنگی (مدرسه، کتابخانه، کتاب، خانه‌ی ترویج، خانه‌ی فرهنگ و غیره) توسط نهادهای مسئول برای روستاهای مورد مطالعه مورد توجه جدی قرار گیرد.

۶) منابع

- افتخاری، فرخ، (۱۳۹۰)، **بررسی عوامل موثر بر فقر روستایی در استان کهگیلویه و بویراحمد**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، گروه مدیریت توسعه روستایی، دانشگاه یاسوج. ۸۳ صفحه.
- پورطاهری، مهدی.، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و احداله فتاحی، (۱۳۸۹)، **ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، مطالعه موردی: دهستان خاوه شمالی، استان لرستان**. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، سال هفتاد و ششم، شماره ۳، صص ۳۱-۱۳.
- پورطاهری، مهدی.، ناهیده محمدی و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، (۱۳۹۲)، **ارزیابی و سنجش محرومیت در سطح مناطق روستایی، مورد: بخش مرکزی شهرستان جوانرود**. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۳، صص: ۴۰-۱۷.
- حیدری، علی، (۱۳۹۰)، **بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی، مورد مطالعه: استان کهگیلویه و بویراحمد**. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۶، صص ۶۵-۵۱.
- عزیزپور؛ فرهاد، حسن افراخته و مریم شامانیان، (۱۳۹۳). **تحلیل فضایی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی. مورد: دهستان قرق شهرستان گرگان**. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۱، صص: ۱۲۲-۱۰۷.
- عنبری، موسی، (۱۳۸۸)، **بررسی تحولات کیفیت زندگی در ایران**، فصلنامه توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۱، صص۱۸۱-۱۴۹.
- قالیباف، محمدباقر، مهدی رمضان‌زاده‌لسبویی و اسلام یاری‌شگفتی، (۱۳۸۸)، **سنجش میزان رضایتمندی ساکنان روستایی از کیفیت زندگی و آثار آن بر امنیت مناطق مرزی، مطالعه موردی: بخش نوسود استان کرمانشاه**. فصلنامه روستا و توسعه، سال سوم، شماره ۱۲، صص۱۸۴-۱۶۳.
- کریمی، فرزاد، (۱۳۹۱)، **مدل سازی سطوح توسعه یافتگی مناطق روستایی، (مورد مطالعه بخش مرکزی شهرستان بویراحمد)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، گروه مدیریت توسعه روستایی، دانشگاه یاسوج. ۱۷۸ صفحه.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]

- کوچکی‌نژاد، فاطمه.، مهدی رمضان‌زاده‌لسبویی، جعفر معصوم‌پور و احدالّه فتاحی، (۱۳۹۰)، **بررسی و سنجش کیفیت زندگی در نواحی روستایی، مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه**. فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی مطالعات انسانی، سال چهاردهم، شماره ۶، صص ۱۳۸-۱۲۰.
- Brown, J. and Bowling, A. and Flynn, T, (2004). **Models of quality of life: A taxonomy, overview and systematic review of the literature**. European Forum on population ageing research.Availablat: http://www.ageingresearch. Group. Shef.ac.uk/pdf/qol_review_no_tables.pdf. (1390/11/02).
- Bukenya, J.; and Gebremedhin, T. and Schaeffer, P., (2003). **Analysis of Quality of Life Rural Development: Evidence from West Virginia Data**. Growth and Change. Vol. 34. Issue 2: 202-218.
- Bruggemann, B., and Garlipp, P. and Haltenhof, P. and Peter Seidler, K., (2007), **Quality of life and social support as outcome characteristics of a psychiatric day Hospital**. Reprinted From the German Journal of Psychiatry, No. 10:58-68.
- Collados, C., & Duane, T., (1999). **Analysis Natural Capital Quality of Life:**
- **A Model for Evaluating the Sustainability of Alternative Regional Development Paths**. Ecological. No. 30: 441-460.
- Das, D., (2008), **urban quality of life: A Case study of Guwahati**. Journal social indicators research, No. 88, pp. 297-310.
- Felix, R. and Garcia-Vega, J., (2011). **Quality of life in Mexico;A formative measurement approach**. The International Society for Quality of Life Studies (ISQOLS), No. 5, pp. 34-54.
- Hayati, D., and Ezatollah, K., and Slee, B., (2006), **Combining qualitative and quantitative methods in the measurement of rural poverty: the case of Iran**. Journal Social Indicators Research, No. 75, pp361-394.
- Kamp, V., and Leidelmeijer, K. and Marsman, G., and Hollander, A., (2003), **Urban environmental quality and human well-being Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study**. Journal Landscape and Urban Planning, No. 65, pp. 5–18.
- Krejcie, R. V., and Morgan, D. W., (2002). **Determining sample size for research activities**. Educational and Psychological Measurement, No. 30, pp.607-610.
- Lee, Y. J., (2008), **Subjective quality of life measurement in Taipei**. Journal Building and Environment, 43 (7): 1205-1215.
- Pacione, M., (2003), **Urban Environment Quality and human well-being, a social geographical perspective**. Journal of Landscape and urban planning, 65 (2): 19-30.
- Pal, A. K. and Kumar, U. C. (2005). **Quality of life concept for the Evaluation of Societal development of rural community in west Bangal, India**. Journal Rural Development, No. .15, pp. 302-317.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.19]